

خبر

اطلاعیه وزارت کشور درواکنش به خبرسازی برخی رسانه‌ها

دولت یازدهم در حال انجام وظیفه قانونی خوداست

● **مرکز اطلاع‌رسانی و امور بین‌الملل وزارت کشور**؛ نظر به انتشار یا بازنشر برخی مطالب درباره دستورالعمل «ارتقای اطلاع‌رسانی و تعامل با مردم و استانداری‌ها» و بسا عنایت به انعکاس مطالب غیرصحیح از این رهگذر و امکان تشویش افکار عمومی، وزارت کشور در پاسخ به حاشیه‌پردازی‌های رسانه‌ای ایجادشده در روزهای اخیر، اطلاعیه‌ای منتشر کرد. متن کامل این اطلاعیه به این شرح است:

در پی انتشار خبر خلاف واقع در خبرگزاری فارس و برخی رسانه‌های همسو با ادعای «بسیج امکانات دولت برای روحانی»، نکات ذیل جهت تئویر افکار عمومی و مخاطبان رسانه‌های مذکور اعلام می‌شود؛

۱. دولت یازدهم دولت مستقر و در حال انجام وظیفه قانونی خود است و طبیعتاً گزارش عملکرد هر ساله خصوصاً پایان دوره را امر بدیهی، ضروری، وظیفه اداری و یک تکلیف حکومتی می‌داند.
۲. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار ۹۵/۶/۳ با اعضای هیئت دولت فرمودند؛ عملکرد دولت و اقدام آن بهترین تبلیغ برای دولت محسوب می‌شود.
استانه دهه فجر در تقویت کارکرد نظام و گزارش آن از استانداران و فرمانداران مطالبه‌گری کنند؛ نه اینکه درخواست وزیر کشور برای گزارش به مردم به عنوان ولی‌نعمتان انقلاب را که یک تک وظیفه اداری است، امر تبلیغاتی قلمداد کنند.
۳. مرحوم فقید سعید، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در سخنانی در روزهای پایان عمر به‌صراحت یادآور شدند که اطلاع‌رسانی در این دولت با وجود کارهای صورت پذیرفته و عملکرد آن ضعیف است.
به راستی کدام رسانه‌ها و کدام سازوکار اطلاع‌رسانی، باید اقدامات انجام‌شده را به عنوان کارکرد نظام به دور از جنجال‌های سیاسی به مردم گزارش دهد؟
۴. دسترسی آسان دوستان منتقد دولت به این ابلاغیه، حکایت از عدم طبقه‌بندی و محرمانه‌بودن آن دارد.



همچون موارد دیگری که وزارت کشور طبق روال معمول در مناسبت‌های مختلف از جمله هفته دولت و دهه فجر و نظایر آن، به منظور ارائه گزارش و روند پاسخ‌گویی مناسب صادر می‌کند که جا داشت منتقدین به‌طور کامل به ابلاغیه توجه می‌کردند.

نه اینکه به استناد برخی از مطالب، آن‌هم به صورت ناقص، حکم کلی صادر کنند و جنجال رسانه‌ای هدایت‌شده‌ای به راه بیندازند و تصریح بند ۱۳ ابلاغیه با این عبارت که: (تأکید می‌شود که اجرای طرح تعامل رسانه‌ای نباید تداعی‌کننده رفتار سیاسی و انتخاباتی استانداری‌ها تلقی گردد) را به دلیل منافع سیاسی و حزبی بر عقلانیت و انصاف مبتنی بر مصالح ملی غلبه داده و نادیده بگیرند.

۵. به منظور بهره‌گیری از اقدامات دولت در ایجاد روح امید در جامعه و نشان‌دادن تلاش مسئولان در رشد و شکوفایی همه‌جانبه کشور، وزارت کشور وظیفه خود می‌داند که اطلاع‌رسانی و شفاف و امیدآفرین کارکرد استانداری‌ها و فرمانداری‌ها را در دستور کار خود قرار دهد. طبق روال همه دولت‌های گذشته، معاونان سیاسی را به عنوان مسئول شورای اطلاع‌رسانی برای انجام هرچه بهتر این‌مأموریت انتخاب و برگزیند؛ بنابراین با قطعیت و تأکید اجرای آن را از استانداری‌ها در ایام دهه فجر مطالبه می‌کند.

۶. وزارت کشور خود را امین نظام – دولت – ملت می‌داند و از تمام توان و قدرت خود در راستای اعتلا و اقتدار ملی کشور بهره می‌برد و خود را موظف به اجرای دقیق قانون در برگزاری انتخابات سالم پرشور و با مشارکت حداکثری می‌داند.

این اطمینان را می‌دهد که رضایت حق تعالی، پابندی به حفظ خون شهدا و آرمان حضرت امام و منویات مقام معظم رهبری و دفاع از حقوق و صیانت از آرای مردم را در این انتخابات وظیفه قانونی و شرعی خود می‌داند و فضای بداخلاقی و حاشیه‌ها را از مضر در انتخابات آینده می‌داند.

شرق: پلمب دفتر مشاوران آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام تا قبل از ماجرای شلیک ضدهوایی‌ها در تهران، مهم‌ترین خبر روز گذشته بود. دفتر یاسر هاشمی، علی محمد بشارتی، مرتضی الویری، حجج اسلام عباسی‌فرد، نوری‌شاهرودی، لطفی، رستگاری، یونس و مرادی روز گذشته در طبقه هشتم ساختمان مرکز تحقیقات استراتژیک پلمب شد. پرسش اصلی این بود که پلمب از سوی چه نهادی و چرا صورت گرفته است. «محمود علیزاده‌طباطبایی»، وکیل خانواده هاشمی، روز گذشته به ایرنا گفت این اقدام قضائی نبوده و از طرف مجموعه اداری مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام شده است.

«رضا سلیمانی»، روابط‌عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام روز گذشته به «شرق» گفت: «من هیچ خبری ندارم. اتفاقی که در نیاوران افتاده در حوزه کاری آقای ولایتی است. جزئیات را آنها در جریان هستند».

پاسخ مشخص را «محمدحسن مشکوری»، مسئول روابط عمومی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع، داد. او به «شرق» گفت: «این پلمب

سیاست

دلیل پلمب دفاتر مشاوران هاشمی

موقت است. چون ما زیر نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام هستیم، برای یک بخش‌هایی به لحاظ اداری موقتا محدودیت ایجاد شده است». او با اشاره به اینکه این اقدام از طرف حراست صورت گرفته است، گفت: «حراست‌ها مستقل هستند؛ اما هر دستوری می‌گیرند قطعا مجمع تشخیص مصلحت نظام در جریان آن است». مشکوری همچنین به ایرنا گفت: «این اقدام روال طبیعی و مربوط به همه شخصیت‌های برجسته است و دلیل آن نیز محفوظ‌بودن اسناد و مدارک دارای طبقه‌بندی است. پلمب‌شدن دفاتر مشاوران آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با دستور حراست مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت گرفته و این محدودیت به‌زودی برطرف می‌شود».

بااین‌حال، رئیس حراست مجمع تشخیص مصلحت نظام هم در واکنش به اظهارات مدیر روابط‌عمومی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام مبنی‌بر اینکه پلمب‌شدن دفاتر مشاوران آیت‌الله هاشمی از سوی حراست مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است، به ایرنا گفت: «ما چنین دستوری را صادر نکرده‌ایم. از پلمب دفاتر مشاوران آیت‌الله هاشمی اطلاع دقیقی ندارم و چنین دستوری از سوی

تحلیل «مصطفی تاجزاده» از تأثیر درگذشت آیت‌الله بر فضای سیاسی کشور

فقدان هاشمی سنگین است اما اصلاحات متوقف نمی‌شود



رقابت کنیم؛ اما درعین‌حال تیم ملی قدرتمندی هم داشته باشیم. همه ما باید این واقعیت را به رسمیت بشناسیم که هیچ جناحی در ایران آن‌قدر ضعیف نیست که بشود آن را نادیده گرفت. برخلاف آنچه دلوایسان می‌گفتند که جریان هاشمی خاتمه‌یافته و این یک میخ بر تابوت اصلاحات است؛ اما ۲۱ دی نشان داد که واقعیت دیگری زیر پوست جامعه جریان دارد و نمی‌شود آن را نادیده گرفت، امیدوارم این پیام را همه بگیرند. از آن طرف اعتدالیون و اصلاح‌طلب‌ها نیز توجه کنند که نمی‌شود منتقدان را حذف کنیم یا نادیده بگیریم، ما هیچ چاره‌ای نداریم جز اینکه همدیگر را به رسمیت بشناسیم؛ در این حالت یعنی در حالت درونی‌کردن آرمان هاشمی فقدان آن شخصیت بزرگ ضربه که به ما نمی‌زند هیچ باعث می‌شود یک گام جلوتر برویم. توجه کنیم جامعه بالغ و باثبات جامعه‌ای است که می‌تواند اختلاف‌ها را با گفت‌وگو و تفاهم حل کند و آنها را با یک بازی برد – برد به نقطه‌ای برساند که همه حداقل رضایت را داشته باشند و هیچ‌کس احساس نکند صدایی و نماینده‌ای در درون حکومت ندارد. در نتیجه همه می‌توانند از راه‌های مسالمت‌آمیز و با روش قانونی به حقوق خود دسترسی پیدا کنند. اگر این اتفاق بیفتد، آن حلقه وصل حکومت و جامعه که هاشمی می‌خواست، تحقق می‌یابد و آن نقش به همه نخبگان سیاسی جامعه با هر جناح و گرایشی منتقل می‌شود؛ بنابراین فقدان او در صورت تحقق آرمان او به ما ضربه و لطمه نمی‌زند. اتفاقا فقدان او بر بستر این آگاهی عمومی باعث می‌شود این نقش از فرد سلب و به یک حرکت نهادین در سطح جامعه تبدیل شود.

اصلاح‌طلبان چقدر به آقای هاشمی وابسته بودند و چه چیزی از او می‌گرفتند؟ نبود ایشان چقدر آنها را دچار مشکل می‌کند؟
فقدان آقای هاشمی حتما برای ما سنگین است. به‌رحال ما یکی از پشتوانه‌های خود را از دست داده‌ایم و تردیدی در آن نیست. اما اصلاحات یک حرکت تاریخی است که متکی به هیچ فردی نیست، حتی متکی به رئیس دولت اصلاحات نیست؛ با اینکه او لیدر ماست. اصلاحات حرکتی است که از صدر مشروطه شروع شد. در نهضت ملی‌شدن صنعت نفت تداوم یافت. در ادامه به انقلاب اسلامی و سپس به دوم خرداد رسید و از این به بعد هم ادامه پیدا خواهد کرد. جریان اصلاحات را فقدان هیچ فردی، هر قدر هم بزرگ باشد، متوقف نمی‌کند. اما ما هم مثل اکثر مردم اگر هوشمندانه برخورد کنیم، همین فقدان را می‌توانیم به یک فرصت تبدیل کنیم. از لحظه‌ای که آقای هاشمی به رحمت خدا

رفته است تا الان بسیاری از حقایق مربوط به زندگی ایشان و نقش او آشکار شده و بسیاری از مخالفان او را شرمندۀ کرده است و دیگر نمی‌توانند مثل گذشته علیه هاشمی یک‌جانبه بتازند. به نظر من بزرگ‌ترین مخالفان او یعنی دلوایسان افراطی با مرگ آقای هاشمی تا حدود زیادی حربه خود را از دست داده‌اند و دیگر نمی‌توانند هر اتهامی را متوجه او کنند. یعنی یک لطمه جدی به دلوایسان افراطی زده شده است.

اگر حرکت باشکوه و دموکراتیک مردم در ۲۱ دی به رسمیت شناخته شود؛ یعنی اینکه ما یک ملت متکثر هستیم، این بزرگ‌ترین پیروزی برای اصلاحات است. من همیشه گفته‌ام جوهره اصلاحات یعنی دموکراتیزاسیون که روح و گوهر آن چیزی نیست جز اینکه ما متکثر هستیم و این تکثر باید به رسمیت شناخته شود و داور دین نهایی را باید به ملت بدیم. یعنی ما رقابت کنیم و مردم هر چه قبول کردند.

این یعنی پیروزی اصلاحات ولو اصلاح‌طلب‌ها رای نیاورند. شما یک گفت‌مان و منطق اصلاحی دارید. ممکن است منطق ما پیروز شود، بدون اینکه خودمان رای بیاوریم. همچنان که ممکن است منطق آنها پیروز شود ولی ما پست‌ها را در دست بگیریم. من در واقع درباره جریان اصلاحات صحبت می‌کنم که از مشروطه آغاز شده و از این به بعد هم ادامه پیدا خواهد کرد و این یعنی استقرار

دموکراسی در ایران. صداسویما را ببینید؛ چندروزی است که اصلاح شده است؛ نه اینکه اصلاح‌طلب‌ها به آنجا رفتند بلکه فهمیده‌اند که باید دیگری را نیز ببینند. صداسویما فهمید که صداهای دیگری هم هست. این طرف هم به این باور برسد که در مقابل یک رقیب قدرتمند قرار دارد.

ما باید همدیگر را در یک رقابت آزاد به رسمیت بشناسیم. بنابراین درگذشت هاشمی می‌تواند باعث شود ما در جهت تحقق آرمان‌های وی و نیز گسترش آرمان‌های اصلاحی یک گام به جلو برداریم. درست مثل زمانی که آقای بهشتی شهید شد. واقعا ضربه سنگینی به مدیریت کشور خورد. چه‌بسا بیشتر از آقای هاشمی در مدیریت جامعه نقش داشت. شهادت بهشتی نه‌تنها جمهوری تاویا را ساقط نکرد بلکه مردم را متحدرتر و آگاه‌تر کرد. خیلی از خناس‌ها را رسوا کرد. نشان داد که دروغ‌ها و تهمت‌هایی که زده بودند، اساس نداشت. معلوم شد که این ملت خادمان خود را دوست دارد و خود این قوت قلب است برای همه کسانی که الان ممکن است مورد اتهام باشند ولی می‌دانند مردم دوستشان دارند و در موقعیت مناسب، عکس‌العمل نشان خواهند داد.

حراست مجمع تشخیص مصلحت نظام صادر نشده است». «مرتضی الویری»، از مشاوران رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام، هم روز گذشته پلمب دفاتر مشاوران در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع را تأیید کرد.

«الویری» دیروز با تأیید این خبر به ایرنا گفت: «دفتر مشاوران آیت‌الله هاشمی در این مرکز پلمب شده؛ اما دلیل آن اعلام نشده است. دو روز قبل تلفنی موضوع پلمب دفتر را اطلاع دادند و روز گذشته گفتند موقتا جایگزینی برای دفتر در مکانی دیگر در نظر گرفته می‌شود؛ اما امروز گفتند این جایگزین مشخص نشده و به بنده اعلام شد تا شبۀ و تا مشخص‌شدن وضعیت صبر کنم».

روز گذشته شنیده شد که علی‌اکبر ولایتی، رئیس مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام، از زیرمجموعه خود خواسته حواسشان به اسناد آقای هاشمی باشد و به دنبال همین اتفاق، فروزش، معاون اجرایی مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام، دفاتر مشاوران را پلمب کرده است. این درحالی است که دفتر فروزش در گفت‌وگو با «شرق» از این ماجرا اظهار بی‌اطلاعی کرد.

اگر این ادامه پیدا کند؛ یعنی پیروزی اصلاحات.

هاشمی در زندگی‌اش تلاش کرد در جامعه وحدت ایجاد کند و رقابت سالم سیاسی بین نیروها را به وجود آورد و دآوری با مردم باشد. این آرزو در عمل با همدلی گسترده میلیونی مردم بیشتر تحقق پیدا کرد. به جامعه شوک وارد شد ولی یک عکس‌العمل بسیار مثبت نشان داد. ۲۱ دی ماه یکی از زیباترین روزهایی است که در عمرم دیده‌ام.

ما به نظر شما چه استفاده‌های سیاسی- اجتماعی می‌توان از سرمایه به‌جامانده از آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی برای پیشبرد اصلاحات کرد؟

فضای خیلی بدی در چند ماه اخیر در جامعه ما حاکم شده بود. مراسم تشییع مانند باران، یک بار دیگر همه اینها را شست و روح جدیدی به جامعه دمید و فرصت جدیدی برای مدیریت کشور ایجاد کرد که با وجود همه حرف‌ها مردم حضور دارند و حاضرند به جامعه، حکومت و خودشان کمک کنند. به یاد داریم که پس از حماسه هفت اسفند ۹۴ دلوایسان بریده از ملت، تهرانیان را اهل کوفه خواندند. ۲۱ دی ۹۵ نشان داد که مردم همچنان به رای‌ی که داده‌اند پایبندند و همچنان خاطره منتخب اول تهران را گرمای می‌دارند.

مردم با وجود همه سختی‌ها، گرانی‌ها، فشارها و مشکلات حضور پیدا کردند. چه سرمایه اجتماعی‌ای بالاتر از این؟ به نظر می‌رسد پس از مرگ هاشمی مردم در انتخابات باشکوه‌تر شرکت خواهند کرد. واقعا روز تشییع، دموکراسی در ایران در حد بالایی حاکم بود. مردم با وجود همه اختلافات در کنار همدیگر بودند و مخالف خود را تحمل می‌کردند. بزرگ‌ترین پیام ۲۱ دی این بود که این ملت ظرفیت این‌را دارد که اجازه دهد هر فرد و جناحی حرفش را بدون درگیری و خشونت بزند.

ما به نظر شما چه کسی می‌تواند جایگزین مناسبی برای آقای هاشمی در نظر گرفته شود؟
به نظر من طبیعی‌ترین فرد برای ریاست مجمع، آقای روحانی است. چراکه به‌عنوان رئیس‌جمهور که‌شورای عالی امنیت ملی‌ را اداره می‌کند، می‌تواند مجمع تشخیص را هم اداره کند. آقای هاشمی استثنا بود که می‌توانست رؤسای سه قوه زیر نظرش باشند.

اما در درون اصلاحات و جامعه‌ما نگرانی چندانی نداریم چون هنوز حضور بزرگان این جریان کملا آرامش‌بخش است و اصلاحات را می‌تواند هدایت کند. به علاوه با وجود آقای روحانی می‌توانیم ائتلاف اصلاحات و اعتدال را حفظ کنیم.

اصولگرایان بدون آقای هاشمی به همسنگی می‌رسند یا به افتراق بیشتری دچار می‌شوند؟
اصولگرایان مشکلاشان آقای هاشمی نیست بلکه او یکی از مشکلاشان بود. آنها باید ابتدا تکلیف خود را با خود روشن کنند. باید یک تصمیم تاریخی بگیرند؟ آنها درباره برجام اختلاف دارند. نمی‌شود یک‌عده از آنها برجام را ترک‌مانچای بدانند و عده دیگر موافق آن باشند و آن را خدمت بدانند. درباره آقای روحانی و دولتش با همدیگر اختلاف نظر دارند.

دربارۀ حصر، اصلاحات، مسائل اقتصادی و اولویت‌های آن با هم اختلاف نظر دارند. در سیاست خارجه هم همین‌طور. بنابراین مشکل اصولگراها فقط هاشمی‌نبود که با رفتن او متجد شوند. الان کفه آن کسانی که طرفدار آقای هاشمی بودند، سنگین‌تر شده. کسانی که معتقد بودند برخورد تند با آقای هاشمی غلط است. اختلاف آنها با جبهه پایداری و امثال آن بیشتر می‌شود. حال باید ببینیم جبهه پایداری چقدر حاضر است دست از تندروی بردارد و با اصولگراها همراهی کند. از آن طرف یکی دیگر از مشکلات اصولگراها آقای احمدی‌نژاد است که تکلیفشان با او مشخص نیست. به هر رو مردم در ۲۱ دی ماه حماسه اکبر» آفرینند.

نامه‌ای از طلبه‌ای که پنجره حجره‌اش را نمی‌بندد

● **مردم ایران** دیندارند و در ضمن گرایش شدیدی به رفاه و توسعه و آزادی و صلح‌دوستی و ارتباطات بین‌المللی دارند.

هاشمی در خاطراتش نوشته از امام خواستم تکلیف ارتباط با آمریکا را مشخص کنند.

هاشمی معتقد بود رابطه با عربستان حل‌شدنی است.

هاشمی می‌گفت آن روز که ساخت متروی تهران را آغاز کردیم، برخی می‌گفتند این همه خاک را کجا می‌توانید بریزید؟

هاشمی مددغه تقریح مردم را داشت؛ بنابراین جزایر متروک خلیج فارس را احیا کرد

هاشمی دغدغه تحصیل جوانان را داشت؛ بنابراین دانشگاه آزاد را تأسیس کرد.

جنگ، روح این چریک را می‌آزرد؛ بنابراین آبرویش را برای آتش‌بس حراج کرد و به صدام هم نامه صلح‌طلبانه نوشت.

آبروی پیش‌کسوتان انقلاب برای هاشمی مهم بود.

روزهای عید فطر و تشت مسلمانان کام هاشمی را تلخ می‌کرد.

هاشمی مرد تغییر بود، چون بی‌کینه بود و بی‌تعصب.

او زنده است تا برقراری رابطه صلح‌آمیز و عادلانه با دنیا و ترک ناسزاگویی‌های بین‌المللی. او زنده است تا وقتی که همه کلان‌شهرها صاحب مترو شوند.

چشمان او همچنان منتظر خواهند ماند تا مردم به‌راحتی از بهترین تفریحات بهره‌مند شوند و راحت به همه دنیا حتی باغ فک در عربستان سفر کنند.

هاشمی زنده و نگران آبروی پیش‌کسوتان انقلاب است.

او تا برقراری همیشگی صلح زنده است. هاشمی عاشق یک نماز وحدت‌آفرین جهانی

در عید فطر است و تا آن روز نمی‌میرد. خدا به مخالفان‌ش خبر دهد که پنهانش کردند تا به نبودش عادت کردیم.

مخالفانش بدانند مردنش را باور نمی‌کنیم؛ چون مرد آینده هرگز نمی‌میرد.

کینه‌ای‌ها در گذشته می‌مانند. هاشمی بی‌کینه بود؛ بنابراین صحیح و سالم از آینده رفت. خدا نگهدارت هاشمی.



ادامه از صفحه ۶

مردی که خستگی را به رخ نمی‌کشد

اما ایراداتی که بنده در این دو، سه دهه از برخوردها و عملکرد آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی دیدهام و قابل نقد می‌دانم، متعدد است. فعلا به دو مورد از آنها اشاره می‌کنم. قبل از آن لازم است یادآوری کنم، تصویری که فعلا از آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در اذهان دوستان و دوستداران او وجود دارد، همانا تصویر انسانی معتدل، طرفدار مردم، عاری از کیش شخصیت، آزادی‌خواه، مخالف سانسور و ایجاد محدودیت، سازگار با دنیای خارج و دارای نظر احترام‌آمیز به مخالفان است؛ بنابراین من می‌خواهم، گذشته‌های دور او را با تصویر امروزی‌اش منطبق کنم.
درست ارزیابی می‌کنم. اما انتقاد: وقتی آقای هاشمی، دولت اول خود را به مجلس سوم برای رای اعتماد معرفی کرد، از او پرسیدند که این افراد، هیچ‌کدام چهره سیاسی نیستند. پاسخ داد این‌کابینه، کابینه کار است و من خودم به اندازه کافی سیاسی هستم. در واقع ایشان اساس برنامه‌هایش را بر کار و اقتصاد و عمران متمرکز کرد. همین امر باعث شد که مسائل سیاسی و فرهنگی و به خصوص امنیت داخلی و وضع روشنفکران و فرهیختگان به حاشیه رانده شود. دست برخی دستگاه‌های غیرفرهنگی، برای هر نوع برخورد با منتقدان و اهل فرهنگ، باز بود. جز این، دست برخی از این دستگاه‌ها برای ورود به تجارت داخلی و خارجی نیز باز شد که بسیار نامناسب و پرمخاطره بود. در رابطه با مسائل فرهنگی، گام‌های مؤثری برداشته نشد. به خاطر دارم وقتی در استانداری خراسان خدمت می‌کردم، آقای هاشمی‌رفسنجانی به مشهد آمد و در پنج روز به سراسر استان رفت؛ افتتاح کرد، جلسه گذاشت، سخنرانی کرد، کلنگ زد، همه‌اش در بخش سازندگی و عمران و اقتصاد بود. در این پنج روز هیچ برنامه‌ای برای بخش فرهنگ نداشت. در صورتی که فرهنگ مردم، بعد از جنگ تحمیلی، نیازمند توجه جدی بود.